نوبت شماست

مهدیه مـودی- در ایـن سـتون، مشکلات شـهروندان در محله هـای مختلف اسـتان را بررسی می کنیم. خبرنگاران «خراسان جنوبی» پس از برقراری تماس تلفنی با شهروندان، مشکلات محله آنان را جویا می شوند و منعکس می کنند.

مدرسه قدیمی

اولین مخاطب تلفنی این ستون از اهالی امیرآباد بیرجند است. وی از وجود یک دبستان قدیمی در این منطقه خبر می دهد و با گلایه می گوید: مدرسه امکانات مناسبی ندارد و با وجود گازکشی از بخاری نفتی به عنوان سیستم گرمایشی مدرسه استفاده می شود.

«سردار» ادامه می دهد: باوجود این که بارها از مسئولان مدرسه و آموزش و پرورش در این زمینه درخواست شده تاکنون اقدامی صورت نگرفته است.وی در ادامه به مشکلات خیابان ولایت امیرآباد بیرجند هم اشاره می کند که نبود آسفالت، سطل زباله و نظافت بد داخل جوی ها و کوچه های خاکی از مهم ترین آن هاست.

مشکلات درمان

مخاطب دیگر از اهالی روستای «کریم آباد» مود از توابع سربیشه است.

وی از نبود خانه بهداشت در این روستا گلایه دارد و می گوید: فرزندم دچار کم خونی شدید است و باید تحت مراقبت پزشک باشد اما در روستا پزشک و خانه بهداشتی وجود ندارد، باید برای کنترل ماهیانه کم خونی او به بیمارستان تامین اجتماعی بیرجند مراجعه کنیم که نوبت دهی این بیمارستان هم سخت است و گاهی اوقات تا دو روز در بیرجند معطل می شویم.

به گفته وی، تیم سیار بهداشت هم زمان مشخصی برای سرکشی و مراجعه به روستا ندارد و بیشتر اوقات اهالی متوجه حضور تیم سیار نمی شوند این در حالی است که مرکز بهداشت مود از پذیرش به دلیل وجود تیم سیار خودداری می کند.

وی می گوید: تیم سیار باید یک بار در ماه به روستا مراجعه کند اما گاهی اوقات هر ۳ ماه یک بار این اقدام صورت می گیرد.

درخواست پل هوایی

مخاطب سوم این ستون از ساکنان خیابان مصلای بیرجند است. وی می گوید: این خیابان از سمت سه راه اسدی حدود یک سال است که آسفالت شده اما محل عابر پیاده و خط کشی مشخص نشده است و همین امر باعث شده رانندگان خاطی مراعات افراد پیاده را نکنند.

«زینلی» می افزاید: این قسمت شهر به دلیل شلوغی بازار و رفت و آمد زیاد نیاز به نصب پل هوایی دارد تا امنیت برای عابران پیاده برقرار شود.

قنات گسک

مخاطب دیگر از اهالی روستای گسک است. وی از مسئولان شهرستان درمیان و جهاد کشاورزی می خواهد برای احیای قنات چند ساله این روستا که در حال خشک شدن است، همت کنند.

از میان خبرها

معابر با اولویت بندی آسفالت می شود

رحیم زاده -آسفالت معابر بر اساس اولویت در دستور کار قرار می گیرد.

معاون عمران شهری شهرداری منطقه یک بیرجند با اعلام این خبر گفت: در حال حاضر بیشتر پروژه های مهر شهرشامل خیابان های امیر کبیر،ابن سینا، امام علی(ع) و... که تحویل شهرداری شده در حال زیر سازی ،جدول گذاری و آسفالت است.

«اکبـری» افـزود: بعد ازانجـام زیـر سـازی و جدول گـذاری و پرداخت هزینه های آماده سازی توسط مالکان آسفالت معابر و خیابان ها در دستور کار قرار می گیرد. وی درباره آسفالت معابر شهرک بهزیستی هم با بیان این که این شهرک هنوز تحویل شهرداری نشده است، افزود: اتحادیه تعاونی مسکن مهر هزینه های زیرسازی را از اهالی دریافت می کند زیرسازی، جدول گذاری و... را انجام و بعد از آن پروژه را تحویل شهرداری می دهد.

انتهای محرومیت در «ته ده»

محمودآبادی- بوی کاهگل کوچه های باران خورده تو را یاد حال و هوای روستاها می انـدازد، زمین های خاکی و آسفالت شلاق خورده و زنی که در کنار چند درخت زرشک برای مرغ و خروس هایش غذا می ریـزد، لحظه ای هر بیننده ای را در باور این که این محله قسمتی از شهر بیرجند است دو دل می کند. اینجا خیابان «انقلاب »است ،کوچه هایی که با قدمت ۲۰۰ ساله نام بافت قدیمی و معروف محله «ته ده» را یدک می کشد، هنوز آفتاب ظهر پاییزی مایل نشده، بوی غذا در کوچه ها پیچیده و کمتر بچه و رهگذری را در عبور از محله می بینی. شاید هم باران مخرب گذشته که خانه و کاشانه عده ای از شهروندان این محله را تهدید کرد آن ها را به کنج خانه هایشان کشانده تا در اوضاع بد اقتصادیشان فکر کنند چطور می توانند از باران بعدی در امان باشند.

■ **فضای سبز وهم انگیز**

پسرک ۸ ساله با بلوز آستین کوتاه و شلواری که با او بزرگ نشده و چند سانت از قوزک پایش بالاتر است روی سرسره پارک دوستش را هل می دهد تا زودتر نوبتش شود، به جز یک تاب و سرسره و الاکلنگی رنگ و رو رفته در فضای سبز این جا چیز دیگری نیست ،لباس های پسرک وادارم می کند از او بپرسم سرما نمی خوری؟با خنده ای کوتاه اما پاسخی که حس غرق شدن و خفگی را برایم القا می کند می گوید: «پان» انداختم، دیگر یخ نمی کنم، دوستش او را از من دور می کند، دوربین عکاس روزنامه او را دوباره به طرفمان می کشاند. روی صندلی پارک می نشینم، دوستش هم نزدیک تر می آید.

■ **اسمت چیه؟**

«سعید»

چه اسم قشنگی، سعید سرما می خوری برو یه لباس دیگه بپوش!

نه ندارم عادت دارم

■ **آدامس پشت لبت گذاشتی؟**

نه دیگه پان گذاشتم، می خندد...

■ **ببینم چطوری پان مصرف می کنی؟**

دوستش را با لحن تندی صدا می زند احسان بیا به اینا هم بده، احسان به سرعت از روی سرسره پایین می آید در حالی که لباسش را بالا زده یک بسته دستمال کاغذی و چند بسته قرمز رنگ که شبیه بسته های پودر شربت است را نشانم می دهد.

با هم کمک می کنند تا نشان دهند چطور مصرف می کنند، دوربین که روی دست هایشان زوم می شود با هیجانی از روی سرخوشی و بی خیالی که دنیای بچگی شان را کوچک نکرده است تندتر کارشان را انجام می دهند، «احسان» رو به «سعید» ادامه می دهد: خوب نگاه کن اما سعید بسته آماده شده را از دستش می قاپد و... آنقدر دیده اند که خوب یاد گرفته اند.

■ **از کجا می خری؟**

از سوپر مارکت ها، ارزونه، می خوای؟ بسته ۳۰۰ تومنی و ۵۰۰ تومنی، هر چی دلت بخواد.

■ **مگه سوپر مارکت ها هم دارن؟**

آره بابا راحت پیدا می کنی، قشنگ میری در مغازه پول میدی و می گیری.

نگاهم روی صورت بچه گانه اما زمخت احسان ثابت می ماند، سوال بعدی به ذهنم نمی آمد ،انگار چیزی را خورده و پاک نکرده باشد دو خط رو به بالا دو طرف دهانش مانده و عرض دهانش را بیشتر نشان می دهد.

■ **کلاس چندمی؟**

دوم ،با این (رو به سعید)توی یک کلاسیم .

■ **خونتون همین جاست؟**

آره اون بالا

همه خانه های این جا روی تپه ای بلند قرار گرفته که برای رسیدن به آن باید سربالایی های تند را طی کنی،خانه هایی که کاه گلی بودن سقف هایش بیشتر از آجر چینی دیوار هایش به چشم می آید ،و درهایی که رنگ فقر بر خود دارد.

■ **«احسان» بابات چی کاره است؟**

نگهبان ساختمان

■ **«سعید »بابای تو چی؟**

اوستا بنا

چند پسر بچه کوچکتر هم وارد پارک می شوند، هیچ کدامشان لباس گرم ندارند، بچه های این جا تنشان گرم است، سرما نمی خورند، یا این قدر سختی با خود حمل می کنند که دیگر باد های پاییزی به آن ها کارگر نیست.

یکی از پسر بچه ها که بیشتر از ۵ ساله به نظر نمی رسد رو به دو پسر دیگر انگار از همه چیز خبر داشته باشد می گوید «خوب میندازی بالا، تنها، تنها»

از پارک که خارج می شوم پیشنهاد می کنند از آن ها هم عکس بگیریم، حتی حاضرند برای این که خواسته شان برآورده شود در حوض میان پارک که از آب باران پر شده است شیرجه بزنند،این را با شجاعت می گویند، بدون ترس از سرما، آن ها هم اهل همین محله هستند، بچه هایی که از آسیب های اجتماعی در امان نبوده اند و اکنون حاضرند برای کوچکترین مبلغ بزرگترین و حتی خطر ناک ترین کارها و شاید هم توزیع مواد را انجام دهند.

■ **کلاس پیشگیری داریم**

وقتی این موضوع را به رئیس اداره مراقبت در برابر آسیب های اجتماعی اداره کل آموزش و پرورش می گویم با جمله کوتاه «درست است» پاسخش را آغاز می کند: نیروی انتظامی و آموزش و پرورش آن ها دچار چه مشکلی شده اند.

این کارشناس فرهنگی به خانواده ها توصیه می کند در تمام برنامه های پیشگیرانه ای که این اداره با کمک و همیاری کارشناسان نیروی انتظامی می گذارد شرکت کنند تا هوشیاری و آگاهی آن ها نسبت به این بلای خانمان سوز افزایش یابد.

مسیرم را تا انتهای کوچه ای که تابلوی شهید کلاهدوز ۳ در ابتدای آن نصب شده ادامه می دهم، آپارتمان هایی که به نام پرستاران ساخته شده اما به گفته یکی از ساکنانش غیر پرستار هم در آن ساکن شده نمای دیگری به کوچه ها داده است نرسیده به آپارتمان ها خانه های قدیمی و آسفالتی که شاید سال ها از روکش آن می گذرد و فقط اسم خاکی نبودن را می توان برای آن به کار برد دیده می شود و این طرف آپارتمان هایی در اول خیابان و آخر بیابان.

این دغدغه را به گوش والدین رسانده اند حتی برای این موضوع با کمک این ارگان در مدارس کلاس های توجیهی برای خانواده ها و دانش آموزان گذاشته ایم اما وقتی این ماده مخدر به راحتی در بساطی های برخی میدان های شهر و دست فروشان و برخی از سوپر مارکت ها به فروش برسد باید قبول کنید کنترل این همه دانش آموز به خصوص دانش آموزانی که خانواده های آن ها درگیر مواد هستند کار بسیار دشواری است .

«مودی» دغدغه اش را به خانواده ها هم نسبت می دهد این که آن ها باید به جای سخت گیری های مقطعی نظارت همیشگی داشته باشند، نظارتی همراه با آگاهی و در این باره نکته ای نگران کننده را بیان می کند، این که بسیاری از خانواده ها نسبت به این ماده مخدر و حتی دیگر مواد آگاهی چندانی ندارند ،حتی از تغییر رفتار و روحیه فرزندشان هم نمی توانند تشخیص دهند «برزگانی» دل پری از اوضاع این محله دارد، سگ های ولگردی که خواب شبانه را از او و خانواده اش گرفته و پرسه زدن افراد معتادی که روز به روز بر تعدادشان افزوده می شود.

به نظر او شهرداری این منطقه را از حوزه خدماتی خود جدا می داند زیرا پیشرفت و توجهی که به جنوب شهر می شود به این محله ها نمی شود انگار این جا را به حال خود رها کرده اند ،از آسفالتی که موجب می شود هر سال دو ،سه بار جلو بندی ماشینش عوض شود و از کوچه هایی که با اندک بارندگی چنان آبگیری می شود که می توان تا چند روز با آن تمام فضای سبز اطراف خیابان انقلاب را آبیاری کرد، گلایه دارد.

او در چند خیابان جلوتر مغازه دارد از اوضاع امنیتی آن جا هم راضی نیست ،به خرابه هایی اشاره می کند که اکنون پاتوق آدم های شیشه ای و کریستالی شده است .اما هیچ نشانی از برنامه شهرداری برای این قسمت وجود ندارد.

■ **گوشه ای دیگر**

بررسی اوضاع این محله را در بخش دیگری ادامه می دهم،کوچه های منتهی به بهشت متقین، سربالایی و سر پایینی های نامنظم، معبرهای بسیار باریک که اگر برای بار اول از آن بخواهی عبورکنی ممکن است یک کوچه را دو بار طی کنی، جاهایی پله های سیمانی به کمک عابران آمده، پیرزنی به سختی در حالی که دست هایش را روی کمرش گذاشته از افتادن چادر مشکی اش جلوگیری می کند، اینجا به رسم قدیم در هر خانه ای یک پله هم تعبیه شده که کمک خوبی است برای نفس تازه کردن در عبور از سربالایی ها و شیب هایی که اگر زانوهایت قوی نباشد گام هایت ناخواسته سرعت می گیرد.

پیرزن از هیچ چیز گلایه ندارد خود را آفتابی لب بام می داند که دیگر شکایت از اوضاع و تغییر برای او فایده ای ندارد،اما در ۵۰ سالی که ساکن این محله ها بوده است تغییر خاصی به جز همان آسفالت و فضای سبز یاد شده ندیده است.

■ **مخروبه های پر اثاث**

با شاطر نانوایی محل هم صحبت می شوم، از باران مدت قبل می گوید و قناتی که خروشان شده و خیابان و مسجد را به کام خود کشاند. او که ۲۷ سال از سکونتش در این محل می گذرد رسیدگی ها را بسیار مقطعی و موقتی می داند، کاری که اساسی نیست و باید بهتر از این انجام شود.

شاگرد نانوایی با لحنی گلایه آمیز حرف پیرمرد شاطر را ادامه می دهد و می گوید: اگر اینجا خیابان غفاری و معلم و رحیم آباد و... بود آیا باز هم این طور کار را از سرخودشان باز می کردند باید کار اصولی انجام شود با بارانی دیگر دوباره همین اوضاع است. الآن تمام خانه های این محل در خطر است، اینجا محله فراموش شده هاست، محله ای که هیچ اهمیتی برای ارتقای آن وجود ندارد. دوباره به سراغ تنور می رود و با کنایه اضافه می کند: خوبی از این جا رفته.

شاطر دنبال حرف شاگردش را می گیرد و می گوید: مردم این جا در فقر و نداری اند، بیشتر خانه ها نیاز به بازسازی دارد اما چون وسعمان نمی رسد دست به بنایی هم نمی زنیم، آن خرابه ها را می بینید (میان کوچه را با دست نشانه گرفته) شب که می شود دیگر امنیت ندارد. خودتان بروید و ببینید. گفت و گویش را قطع می کند به سراغ خمیر می رود.

می پرسم در این چند سال یعنی این جا هیچ تغییری نکرده است.

چرا بی تغییر هم نبوده فقط بلوار وسط خیابان را کشیده اند و کشتار گاه را از این جا برده اند اما کوچه ها همان اوضاع و احوال را دارد.

خرابه هایی را که نشانم داده را از نزدیک ورانداز می کنم، در یک گوشه از خرابه یک چهار دیواری به مساحت تقریبا یک مترمربع که نمی توانی در آن دراز بکشی با یک رختخواب مندرس و پتویی نخ نما، یک جفت دمپایی بند انگشتی و چند تکه خرت و پرت دیگر رها شده است یک طرف دیوار با پتویی پوشانده شده و پتویی دیگر به عنوان در این اتاقک مخروبه فضای بیرون و داخل را از هم جدا کرده، جرات نمی کنم جلو تر بروم اما سیخ و چراغ و قاشقی کثیف تنها چیزی است که از آن زاویه ای که ایستاده بودم توجهم را جلب می کند و معلوم است برای چه کاری است.

■ **برنامه هایی برای آسفالت**

معاون عمرانی شهرداری منطقه یک بیرجند از در دستور کار بودن آسفالت قسمتی از انتهای کوچه های منتهی به میدان شهید کلاهدوز می گوید.

مهندس«اکبری» با اشاره به کار های نقشه برداری این خیابان اضافه می کند: قرار است امسال این کوچه ها و محدوده آپارتمان های پرستاران آسفالت و به بلوار پیامبر اعظم وصل شود اما برای سایر کوچه ها نمی توان برنامه روکش آسفالت را پیاده کرد چون بیشتر خانه های این محل فرسوده است و میزان ترکیدگی لوله ها و شکاف آسفالت در این محله ها زیاد است بنابر این هنوز روکش آسفالت تمام نشده دوباره یک جا باید خراب شود.

او دربـاره فرونشست قسمتی از کوچه انقلاب ۳ و مسجد قدیمی این خیابان هم توضیح می دهد:ایمن سـازی به طور کامل انجام شده و به زودی آن قسمت آسفالت خواهد شد، علاوه بر این مهار دیوار ها در دو قسمت مسجد تمام شده است و برای جلوگیری از تکرار این موضوع جلوی همه ورودی ها مسیر آب به علت قنات متروکه در بالا دست مسدود شد.

به گفته «اکبری»، برای ساختمان های متروکه ای که در این محله است باید شاکی خصوصی وجود داشته باشد تا نیروی انتظامی نیز اقـدام کند و شهرداری هم اگر مالک خصوصی همکاری نکرد اقدام به دیوار چینی یا رفع خطر کند.

وی می گوید: به نظر می رسد برای این که اوضاع بهتر شود باید حرکتی برای کوچه های انقلاب انجام شود. مسیر خیابان اصلی را دوباره در پیش می گیرم، آسفالت خیابان اصلی هم حال خوشی ندارد ،شاگرد نانوایی راست می گفت در هیئت حسینی بسته است و نشانی از استقرار موقت در آن نیست.

طرح روشنایی پارک های بیرجند با انرژی خورشیدی متوقف شد

رنجبر- طرح روشنایی پارک های بیرجند با استفاده از انرژی خورشیدی متوقف شد.

مدیر عامل سازمان پارک ها و فضاهای سبز شهرداری بیرجند با اعلام این خبر به «خراسان جنوبی» گفت: پس از استفاده از انرژی خورشیدی در پارک «الهیه» و۱۳ قطعه فضای سبز در خیابان عدل با توجه به کیفیت پایین قطعات و هزینه بالای استفاده از این انرژی، طرح متوقف شد.

به گفته «انصاری»، برای این دو پارک از ۲۳ پایه خورشیدی که هر شاخه ۲میلیون و ۵۰۰ هزار تومان هزینه دارد، استفاده شد.

وی به نهضت روشنایی در پارک ها اشاره کرد و از اتمام پـروژه تقویت روشنایی پـارک فـرزان با اعتباری معادل ۹ میلیون تومان در یک ماه گذشته خبر داد و این که روشنایی پارک توحید و پارک گنجی تامین شد.

به گفته وی، در سال جـاری ۵۰ میلیون تومان برای روشنایی پارکهای بیرجند هزینه شد و مهم ترین پـروژه مربوط به پـارک آزادی است که در سال جاری در فاز اول ۳۱۵ میلیون تومان برای بهسازی و روشنایی آن صـرف می شـود و سال آینده هم فاز دوم آن انجام خواهد شد.

به گفته وی، بهسازی و روشنایی پارک آزادی به ۷۰۰ میلیون تومان اعتبار نیاز دارد.

وی تاکید کـرد: مشکل روشـنایی پـارک های بیرجند در طول دو سال گذشته تا حدودی مرتفع شده است.

جدول شماره ۱۲۷۴

۱- ایـن مجموعه ورزشـی بیرجند به صورت اختصاصی به ورزش بدمینتون اختصاص یافت – فرآیند هسته ای تبدیل یک اتم سنگین مانند اورانیـوم به دو اتم سبکتر ۲- فرش نامی ایرانی- محکمه- وسنی ۳- یک یل!- نان ضخیم سنتی- کنایه از جواب منفی است ۴- نوعی زیرپوش بدون آستین- قشنگ- روسا ۵- نام دخترانه وطنی- رونق زندگانی- لحظه ۶- علم پزشکی- فرق سر- زندگی کردن- مردن از غصه ۷- اولین مسجد اسلام - تاریخدان - التیام ۸- جمله قرآنی- از ارقام مرغوب پسته ایرانی- رسوب ته جوی ۹- محل کار مارگیر - زن گندمگون- میان روز ۱۰- دانه معطر - همسر مرد- قطعه زمین مثلثی شکل که از آبرفت رودخانه ها به دست می آید - وحشی و درنده ۱۱- مخفف اینک- طوطی طوق صورتی - خرمن ماه ۱۲- نگارش رایانه ای- «تاجی» در هم شکسته! - متن ۱۳- از شهر های سه گانه جزیره قشم- کفش چرمی پاشنه دار- فریاد کشیدن ۱۴- کلمه پرسش - قدیمی ترین نرگس زار جهان متعلق به دوران قبل از ولادت حضرت مسیح(ع) در این شهر خوزستان واقع شده - آهنگر ضحاک کش ۱۵- سرمربی سرشناس و کهنه کار تیم ملی والیبال برزیل- سابقا به آن اطفائیه می گفتند

۱- واحد وزن الماس- امین ۲- بیماری پوستی فصل گرما که عامل آن نوعی پشه است- قبرستانی مقدس در مدینه که آرامگاه چهار امام شیعیان در آن واقع شده است - قنات ۳- فلزی که از ترکیب دو یا چند فلز دیگر به دست آید- سود و فایده - از تقسیمات ارتشی ۴- شلوار جین - یگانه- کلوچه خرمایی سوغات کرمان ۵- فدراسیون بین المللی کشتی - مخفف کاه- خانه ترکمن ۶- تندی- مردزن مرده- هر چیز ویژه خانم ها ۷- سزاوار- پارک بزرگ وزیبای جنوب شهر مشهد- حرف همراهی! ۸- از انبیای الهی(ع) ملقب به مثلث النعمه - عدد- آبرو داشتن ۹- کیف انگلیسی- برابر فارسی فیدبک که نوعی برگشت پیام ارتباطی است که در آن، گیرنده به طورعمدی یا غیرعمدی به پیام فرستنده واکنش نشان میدهد- از لوازم التحریر ۱۰- نام ها- گودال- چندین سنت ۱۱- از بانک های خصوصی تازه تاسیس- حرف دوم الفبای انگلیسی- عربی ۱۲- کافی – ستمگر- ویتامین انعقاد خون ۱۳- گلی زیبا و پرپشت- سمت نماز- جوش و خروش ۱۴- فلز سرد!- ماهر- سرباز نیروی دریایی ۱۵- قدرت و استطاعت- ترس و وحشت

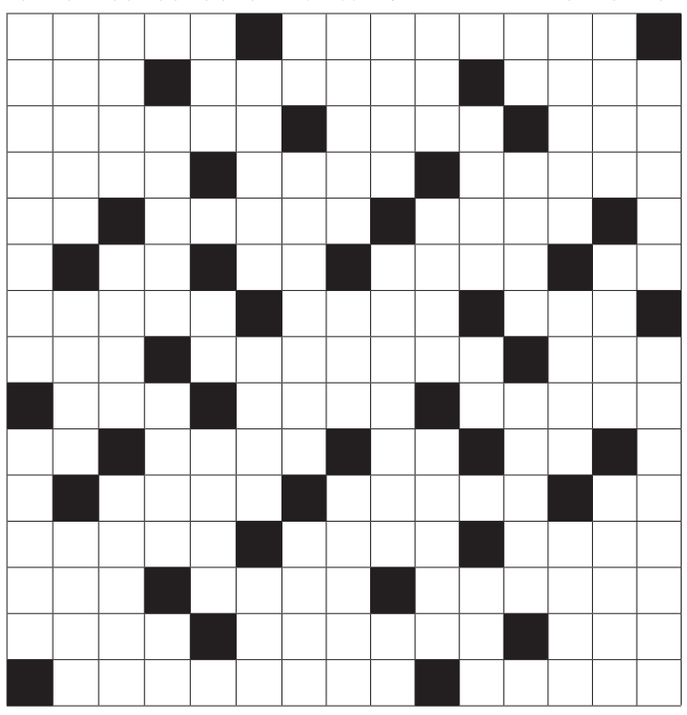

پاسخ جدول شماره ۱۲۷۳

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ا	س	ت	ا	د	ک	ا	ر	■	ن	د	س	ب	ز	■
۲	س	ی	■	خ	ن	د	ه	■	گ	ر	و	■	ل	ی	ن
۳	ف	■	ک	ن	د	و	■	ت	ل	م	ب	ه	■	ز	ی
۴	ا	ت	ش	■	ه	ر	گ	ز	■	ه	ل	ا	ک	و	■
۵	ل	ا	م	ل	■	ت	ن	و	ر	■	ه	و	ش	■	ب
۶	ت	■	ک	ی	ت	■	چ	ی	و	ه	■	ن	م	ر	ه
۷	■	م	ش	ا	ع	ر	■	ر	غ	ب	ت	■	ش	ی	ر
۸	ت	ن	■	ن	ص	ی	ر	■	ن	و	ر	د	■	ز	ه
۹	ی	ا	ر	■	ب	ن	و	ت	■	ط	ا	ی	ف	ه	■
۱۰	پ	ل	ا	ک	■	گ	ا	ر	ی	■	ک	ر	د	■	م
۱۱	ا	■	س	ر	ب	■	چ	ا	ر	ن	ب	ک	ی	ل	ه
۱۲	■	خ	و	ب	ر	و	■	و	ا	د	ا	■	ش	ک	ر
۱۳	ک	ی	■	ن	ی	ا	ی	ش	■	ق	ر	ی	ه	■	د
۱۴	پ	ا	ک	■	ا	ل	و	■	س	و	د	ا	■	ز	ا
۱۵	ک	م	ر	ب	ن	د	■	م	ا	ل	ی	■	ش	ه	د

۹۴۳۴۸۶۳۷/ج
اولین آموزشگاه آزاد فنی و حرفه ای
پیرایش مردانه کوروش
(شعبه بیرجند)
با مجوز از اداره کل فنی وحرفه ای خراسان جنوبی
دررشته های پیرایشگر مردانه درجه۲ -درجه۱
کارآموز می پذیرد.
(اصلاح سروصورت رایگان توسط کارآموزان آموزشگاه)
آدرس: خیابان توحید-بین توحید۳و۵ - پلاک ۵۳
تلفن پاسخگوی شما ۰۹۱۵۸۶۳۸۵۸۹ - ۰۹۱۵۷۷۰۴۲۷۱